

## شاخص‌های چشم‌انداز دانشگاه اسلامی از منظر قرآن و حدیث

سهراب مروّتی\*

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام

امیر فتاحی\*\*

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام

اکرم فریدونی ولاشجردی\*\*\*

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام

(تاریخ دریافت: ۹۲/۴/۱۱؛ تاریخ تصویب: ۹۲/۸/۲۵)

### چکیده

تعیین چشم‌انداز و طراحی افق‌های روشن برای رشد و تعالی، نخستین و پایه‌ای‌ترین گام در جهت تدوین معماری مطلوب هر سازمان و نهاد است. به رغم تلاش‌های فراوان در عرصه دستیابی به جایگاه مطلوب دانشگاه در کشور اسلامی ما و نیز بحث اسلامی‌سازی این نهاد مقدّس، هنوز به نحو مطلوب به ترسیم چشم‌انداز این نهاد بر مبنای آموزه‌های اسلامی پرداخته نشده است. لذا در مقاله حاضر تلاش شده تا با مروری بر سرفصل‌های مفهوم‌شناسی چشم‌انداز و دانشگاه اسلامی، ویژگی‌های بارز دانشگاه اسلامی و شاخص‌های چشم‌انداز دانشگاه اسلامی به تبیین این موضوع پرداخته شود و با تحلیل و بررسی آیات قرآن کریم و همچنین روایات اهل بیت علیهم‌السلام و استنباط از این آموزه‌ها، چشم‌انداز و سیمای شایسته این نهاد ترسیم شود. پژوهش حاضر، دانشگاه اسلامی را نهادی با پنج مشخصه ذاتی یا مؤلفه بنیادین هویت علمی، جهت‌گیری دینی، توانمندی پژوهشی، کارآمدی برای جامعه و رضایت محوری معرفی می‌کند و با طراحی چشم‌انداز مطلوب آن که این چشم‌انداز متشکل از شاخص‌های دانایی، توانایی، نیکویی و زیبایی است، به الگوسازی و ترسیم پیکر و چارچوب اسلامی‌اش پرداخته است.

**واژگان کلیدی:** دانشگاه اسلامی، چشم‌انداز دانشگاه، ویژگی دانشگاه، دانشجو، آینده‌نگری.

---

\* **E-mail:** [Sohrab\\_morovati@yahoo.com](mailto:Sohrab_morovati@yahoo.com)

\*\* **E-mail:** [Amirfatahi ۳۱۳@yahoo.com](mailto:Amirfatahi313@yahoo.com)

\*\*\* **E-mail:** [Akram.fereydouni@yahoo.com](mailto:Akram.fereydouni@yahoo.com)

## مقدمه

از آنجا که آینده‌نگری و ترسیم چشم‌انداز، مهم‌ترین عامل برای تحقق مأموریت‌ها و هدف‌هاست و برنامه‌های عملیاتی از طریق طراحی افق‌های روشن و انجام فعالیت‌ها بر مبنای این طراحی، محقق می‌شوند، دانشگاه نیز برای دستیابی به جایگاه آرمانی خویش، نیازمند آینده‌نگری و ترسیم چشم‌انداز است. در کشور اسلامی ما، پس از مطرح شدن بحث اسلامی شدن دانشگاه، این ضرورت با نگاه درون‌دینی تلفیق شده است و این مسأله مطرح گردید که اصولاً بر مبنای آموزه‌های اسلامی، این نهاد را در چه قالبی - هم از لحاظ معنا و باطن و هم از لحاظ ظواهر و شعائر و ساختار بیرونی - می‌توان مطلوب دانست تا ضامن بالندگی باشد و دیگر اینکه دستیابی به این جایگاه آرمانی از چه طریقی میسر خواهد بود؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد که متأسفانه به رغم اهمیت این موضوع، تحقیقات توصیفی زیادی در مورد ترسیم چشم‌انداز دانشگاه اسلامی، انجام نشده است، بلکه اغلب تحقیقات در این زمینه، سعی در تبیین دیدگاه‌ها، موانع و چالش‌های پیش روی و احیاناً راهکارهای تحقق دانشگاه اسلامی داشته‌اند و دیدگاه‌ها پیرامون این جنبه مهم از بحث اسلامی شدن دانشگاه، به صورت کلی و گذرا مطرح شده است که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود.

مخبر و همکاران بر این باورند که: ما نیازمند ترسیم و تصویر چشم‌اندازی از دانشگاه اسلامی هستیم که مسائل اساسی را چه در محتوا و چه در ساختار شکل بدهد و اگر از جهت بُعد زمانی به مسأله نگاه شود، نیاز به تنظیم مراحل و زمان‌بندیهای مشخص است که ابتدا و انتهای آن و میزان دستیابی به نتایج پیش‌بینی شده در آن، تا حدّ زیادی واضح و روشن باشد. برای ترسیم سیمای دانشگاه اسلامی، اولین و مهم‌ترین مسأله مورد نیاز ما یافتن روش‌ها و متدولوژی‌های تنظیم‌کننده نسبت میان علم و دین در رشته‌های گوناگون است (ر.ک؛ مخبر و همکاران، ۱۳۷۶: ۷۸ - ۷۷).

از دیدگاه مقیسه، دانشگاه اسلامی در دو بُعد شکلی و محتوایی قابل تصوّر است؛ شکلی یعنی انطباق جلوه‌ها، ظواهر و مناسبات حاکم بر دانشگاه و دانشگاهیان و محتوایی یعنی دست کم در حوزه علوم انسانی، مبنا و خاستگاه اصلی، متون معتبر اسلام و فرهنگ دینی باشد (ر.ک؛ مقیسه، ۱۳۸۴: ۹۰).

همانگونه که اشاره شد، نظرات نامبرده غالباً به صورت کلی و بدون تبیین شاخص‌های اسلامی چشم‌انداز، مطرح شده است. ما هم اکنون در فضایی قرار داریم که برای اسلامی‌سازی دانشگاه، گفتگوها و مباحثه‌ها و تعامل‌ها، قبل از هر تلاشی بایستی تصویر دانشگاه اسلامی را به صورت صریح و روشن بیان و مؤلفه‌های بنیادین دانشگاه اسلامی تبیین کند. اما علیرغم تمام مطالب و مقالات عرضه شده در

رابطه با اسلامی شدن دانشگاه، این امر هنوز آنقدر عمق نیافته است که بتوان چشم‌انداز دانشگاه اسلامی را، حداقل در مقیاسی که روشنگر مسیر کلی دانشگاه باشد، ارائه دهیم. متأسفانه عدم تبیین صحیح و صریح چشم‌انداز این نهاد، نه تنها آسیب‌ها و آفات جبران‌ناپذیری به شاکله جریان اسلامی‌سازی دانشگاه وارد ساخته، بلکه در بین سطوحی از نظریه‌پردازان، تصوّر موضع بی‌تفاوتی دین نسبت به این امر مهم را به وجود آورده است! این در حالی است که دین اسلام در برنامه‌هدایتی خود که از شاخص «تَبَيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ» (النحل/۸۹) برخوردار است. از سویی آینده‌نگری و عاقبت‌اندیشی را از مهم‌ترین مبانی تصمیم‌گیری معرفی می‌کند، چنانچه مولای متقیان حضرت علی (ع) در خصوص آینده‌نگری به فرزندشان امام حسین (ع) می‌فرماید: هرکس بدون نگرش به عواقب، در ورطه کارها درآید، خود را در معرض مصائب و مشکلات نهاده است: «مَنْ تَوَرَّطَ فِي الْأُمُورِ بِغَيْرِ نَظَرٍ فِي الْعَوَاقِبِ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلنَّوَابِ» (ابن‌شعبه حرّانی، ۱۴۰۴ق: ۹۰). همچنین امام محمد باقر (ع) پیرامون ضرورت پیش‌بینی و آینده‌نگری از رسول گرامی اسلام (ص) نقل می‌کنند که ایشان فرمودند: هر وقت به کاری همت می‌گماری، عاقبت آن را ببندیش، اگر به خیر و رشد می‌انجامد، دنبال کن و اگر به شرّ و انحطاط منتهی می‌شود، رها کن: «إِذَا هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرِ عَاقِبَتَهُ، فَإِنْ يَكُ خَيْرًا وَرُشْدًا فَاتَّبِعْهُ، وَإِنْ يَكُ غَيًّا فَدَعْهُ» (ر.ک؛ حکیمی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۷۳) و از سوی دیگر، این دین انسان‌ساز، نیز در عرصه فرهنگ علم‌آموزی و تحصیل دانش از غنای کم‌نظیری برخوردار است و مشوّق خیزش به سمت و سوی فرهنگ علم‌آموزی و دانش‌پروریست: «اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۱۷۷). حتّی طلب دانش را امری واجب معرفی می‌نماید: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» (کُلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۰). لذا با در نظر داشتن نقش هدایتگرانه دین و اهمیّت آینده‌نگری در تصمیم‌گیری‌ها و نیز ارزش و منزلت فرهنگ دانشجویی از دیدگاه دین اسلام، نمی‌توان موضع بی‌تفاوتی را به اسلام نسبت داد، بلکه به عکس، این مفهوم نشانگر اهتمام ویژه اسلام در این مورد می‌باشد، چرا که عقل حکم می‌کند که این دین انسان‌ساز، در برنامه تربیتی خود، ابتدا سیمای مطلوب نهاد مولّد علم و پرورش‌دهنده دانشجو را ترسیم کرده باشد. سپس دستیابی و زینده شدن به آن را به عنوان ارزش معرفی نماید. از این رو، اندیشمندان اسلامی همواره کوشیده‌اند بر مبنای آموزه‌های اسلام عزیز، به ترسیم جایگاه مطلوب ارکان این فرهنگ بپردازد، چنانکه شهید ثانی را می‌توان از نخستین متفکران اسلامی نام برد که در این عرصه به تدوین کتاب پُر بار «مینیة المرید» پرداخته است. لذا پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که بر پایه آموزه‌های دین اسلام که همانا قرآن کریم و سیره پیامبر

گرامی اسلام (ص) و ائمه هدی علیهم السلام می‌باشد، چه چشم‌اندازی برای نهاد دانشگاه قابل ترسیم که مسیر دستیابی به جایگاه شایسته این نهاد الهی را برای ما روشن و هموار سازد؟

## ۱) مروری بر معانی و مفاهیم

### الف) معانی و حقیقت دانشگاه اسلامی

در ذیل آنچه که در آثار اندیشمندان و محققین معاصر، پیرامون تعریف و مفهوم «دانشگاه اسلامی» بیان شده است، به اختصار بیان می‌شود.

امام خمینی (ره) دانشگاه اسلامی را اینگونه معرفی می‌کند که: «معنی اسلامی شدن دانشگاه این است که استقلال پیدا کند و خودش را از غرب جدا کند و خودش را از وابستگی به شرق جدا کند و یک مملکت مستقل، یک دانشگاه مستقل، یک فرهنگ مستقل داشته باشیم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۵، ج ۲۱: ۴۵).

دانشگاه اسلامی از منظر مقام معظم رهبری به عنوان کسی که در امر تربیت، آموزش، علم و علم‌آموزی و شناخت نسل جوان تخصص دارند و همچنین دانشجو و دانشگاه همواره از دغدغه‌های اصلی ایشان بوده است و از صاحب‌نظران این حیطه به شمار می‌روند، همچنین به عنوان کسی که در جایگاه رهبری انقلاب هستند، مطلوب و ضروری به نظر می‌رسد. ایشان در این باره می‌فرمایند: «آنچه از دانشگاه اسلامی انتظار می‌رود این است که مطلوب‌ترین رشد و تبلور رفتارهای مذهبی و شکوفایی استعدادها علمی و نوآوری‌های فکری دانشجویان را فراهم آورد» (داوری و همکاران، ۱۳۷۸: ۱۰۲).

آیت‌الله جوادی آملی نیز با بیان این نکته که اساس دانشگاه را دانش به عهده دارد، یادآور می‌شوند: «اگر دانشگاه بخواهد اسلامی بشود، دانش باید اسلامی بشود. تنها علمی که عهده‌دار این مسأله است، فلسفه است. برای اینکه او درباره جهان بحث می‌کند که آیا خدایی هست، وحیی هست، دینی هست، نبوتی هست، امامتی هست، ولایتی هست. پس هیچ علمی از علوم رایج حسی و تجربی توان آن را ندارند که فتوا به اثبات یا نفی یا شک در این موضوع بدهند» (اسراء: ۱۳۹۱/۱۰/۲۵).

در ادامه نیز مفهوم و حقیقت دانشگاه اسلامی از دید سایر صاحب‌نظران در این زمینه ذکر می‌شود:

- «دانشگاه اسلامی دانشگاهی است که هدف آن، هدف‌های اسلامی و دینی باشد و ارکان آن را نیروهای مؤمن و متعهد تشکیل بدهند و ارزش‌ها نیز در اولویت باشند» (زراعت، ۱۳۷۶: ۵۴).

- دانشگاه اسلامی، معهدی علمی است که در آن ظواهر شرعی در بین معلّمین و متعلّمین رعایت شده و کسی اعم از مرد و زن برخلاف مظاهر اسلامی نباید تظاهر کند. در این بین فرقی میان دانشگاه با سایر نهادها و دوائر جامعه‌ی اسلامی نیست (اخوان کاظمی، ۱۳۸۲: ۲۸).

- «دانشگاه اسلامی دانشگاهی است که در آن، بینش توحیدی بر تمامی شوّون دانشگاه و تفکّر و اندیشه‌ی دانشگاهیان حاکمیت دارد و علم‌آموزی به منزله‌ی یک عبادت در جهت ایجاد و تقویت این نگرش ایفای نقش می‌کند» (همان).

- «دانشگاه اسلامی دانشگاهی است که در آن، محیطی سرشار از معنویت و مکارم اخلاق به منظور رشد و تعالی فردی و تربیت صحیح و تزکیه و تعلیم نفوس ایجاد می‌شود و حیات و شخصیت معنوی و اخلاقی افراد اعتلا می‌یابد» (مجیدی، ۱۳۸۲: ۷۷).

- «دانشگاه اسلامی دانشگاهی است که در آن، افراد در پرتو معارف اسلامی با احساس تعهد و مسؤولیت نسبت به رشد و تعالی جامعه و تحقق اهداف و ارزش‌های اسلامی در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت می‌جویند» (همان).

- «دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که در آن همه‌ی ارزش‌های متعالی، اسلامی، فرهنگی قرآنی، برترین اندیشه‌های علمی، خلاقیت‌های ذهنی، نوآوری‌های علمی و تولیدات فکری در رفتار و شخصیت دانشگاهیان به مثابه‌ی الگوهای مطلوب اجتماعی پدیدار گردد» (موسوی مقدم، ۱۳۸۴: ۵۲).

دکتر حسین العطاس در مورد دانشگاه اسلامی می‌گوید: «دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است همانند هر دانشگاه دیگری که امروزه در دنیا وجود دارد، با این تفاوت که این دانشگاه دارای هویت اسلامی است» (ذاکر صالحی، ۱۳۸۴: ۶۷۱).

- «دانشگاه اسلامی همان دانشگاهی است که بر پایه‌ی اعتقادات دینی و مبانی اسلامی شکل گرفته و تمام شوّونات اسلامی در آن رعایت می‌شود» (علی آبادی، ۱۳۸۹: ۵۹).

- «اسلامی شدن دانشگاه به معنای تحمیل یک حاکمیت، طبقه یا صنف خاص نیست، بلکه عجین ساختن دانش‌اندوزی با آداب معنوی و ارزش‌های دینی و انسانی در جامعه‌ی علمی است» (فضل‌الهی قمشی و اسلامی‌فر، ۱۳۹۰: ۷۷).

## ب) مفهوم چشم‌انداز

تعیین چشم‌انداز یا دورنما در یک سازمان، نخستین و پایه‌ای‌ترین گام در جهت تدوین معماری مطلوب آن سازمان است. در مطالعات انجام گرفته، تعاریف گوناگونی از چشم‌انداز وجود دارد که مهم‌ترین آنها به شرح ذیل است:

– «چشم‌انداز به معنی آرمان‌های قابل دستیابی جامعه در یک زمان بلندمدت با توجه به ارزشهای نظام و با ویژگیهای آینده‌نگری و ارزش‌گرایی و واقع‌گرایی و جامع‌گرایی که وضعیت موجود را بررسی و بر اساس شرایط آینده را پیش‌بینی و تصویری مناسب و آرمانی از جامعه ارائه می‌دهد...

«چشم‌انداز، آمیزه‌ای از ارزش و داورهای مبتنی بر ایدئولوژی و واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌باشد. طبق این دیدگاه، هر ایدئولوژی، ترسیم‌کننده یک چشم‌انداز است. لذا در مقام برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری باید ایدئولوژی واحدی حاکم باشد تا چشم‌انداز واحدی شکل بگیرد» (ر، ک؛ سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران).

– «چشم‌انداز، عبارت است از آینده‌ای واقع‌گرایانه و محقق‌الوقوع. چشم‌انداز راه مشخصی است که ارائه‌دهنده یک تصویر مطلوب، آرمانی و قابل دستیابی است که مانند چراغی در فراروی یک سازمان، جامعه و نظام حکومتی قرار دارد و دارای ویژگی‌های آرمان‌گرایی، جامع‌نگری، آینده‌نگاری، ارزش‌گرایی و واقع‌گرایی می‌باشد (نعمتی، ۱۳۹۰ و رضایی، ۱۳۸۴: ۲۳).

«هدف از ترسیم چشم‌انداز، تصویر آینده و نه پیش‌بینی آینده است. چشم‌انداز به مثابه روحی در کالبد طرح‌ها و برنامه‌های یک جامعه، دارای ویژگی‌هایی است که با ایجاد یک تصویر ذهنی به ترسیم آینده طرح‌ها و برنامه‌ها می‌پردازد» (دهقان طرزجانی، ۸۸: ۸۸).

با در نظر داشتن مفاهیم بیان شده می‌توان گفت تعیین چشم‌انداز، به معنای نقش و موقعیتی است که در وضعیت آرمانی، باید در آینده محقق شود و سمت و سوی فعالیت‌های آینده در این زمینه را نشان می‌دهد.

## ۲) ویژگی‌های بارز دانشگاه اسلامی

معنا و تعریف اولیه دانشگاه اسلامی تا حدودی برای ما شناخته شد و اکنون لازم است دانشگاه اسلامی در قالب شاخص‌ها و مؤلفه‌ها بیان شود؛ زیرا شناخت ویژگی‌ها، یکی از طرق شناخت واقعیت شیء به شمار می‌رود، بلکه گاهی شناخت یک شیء، به شناخت آثار و خواص آن منحصر می‌گردد و بدون ذکر ویژگی‌های شیء، ماهیت آن در هاله‌ای از ابهام می‌ماند. لذا ذکر شاخص‌ها و مؤلفه‌ها برای

نهاد مورد بحث، می‌تواند تصویر دقیق‌تر و ملموس‌تری از آن را به تصویر بکشد. در ادامه به بیان ویژگی‌های نهاد مذکور پرداخته خواهد شد.

### الف) هویت علمی

در منطق قرآن کریم مقوله «علم»، از اهمیت فراوانی برخوردار است تا آنجا که خداوند در قرآن کریم به «قلم» سوگند یاد فرموده است: «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ: ن، سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند» (القلم/۱) و در مواضع فراوانی نیز برتری عالم را نمایان ساخته است (الزّمر/۹؛ المجادلة/۱۱؛ النحل/۴۳ و...). به همین میزان در لسان ائمه دین علیهم‌السلام بر این مقوله ارزشی تأکید شده است تا جایی که پیامبر اسلام (ص) در این باره می‌فرماید: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ: طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۰). از این رو می‌توان ادعا کرد که تأکیدات بر علم‌آموزی در دین اسلام به درجه‌ای است که می‌توان گفت یکی از ویژگی‌های امت اسلامی، عالم بودن است.

ناگفته پیداست دانشگاه اسلامی که رسالت تولید علم و دانش را داراست، در وهله اول، از شاخصه و هویت علمی برخوردار است. به این معنا که اگر سخن از شاخص‌های دانشگاه اسلامی در میان باشد، فصل علمی او در رأس شاخصه‌ها قرار دارد و هویت علمی را به عنوان یک صفت برجسته، داراست، چنان‌که نگاه عمومی نیز به دانشگاه، بیشتر از همین زاویه است و مهم‌ترین انتظاری که از دانشگاه می‌رود نیز همین شاخصه می‌باشد.

گذشته از تولید دانش، وقتی صحبت از هویت علمی دانشگاه در میان است، اصل آگاهی و علم به شرایط زمان نیز مد نظر می‌باشد. اگر روح حاکم بر دانشگاه بر پایه معرفت و شناخت کافی نسبت به مسائل مهم و کلیدی نباشد، چنین عنصری ضامن تصمیم‌گیری مناسب برای مردم نیست و قهراً چنین دانشگاهی اسلامی نیست و نخواهد بود. دانشگاه آگاه در جهت تقویت روح پژوهش، تنبّع و ابتکار در تمامی بسترهای علمی، فرهنگی و ملی و اسلامی گام برمی‌دارد؛ زیرا بدون ارتقاء آگاهی همگانی، نیل اهداف متعالی جامعه اسلامی به خصوص حماسه‌آفرینی در عرصه‌های حساس سیاسی و اقتصادی میسر نخواهد بود. لذا در این بُعد، آنچه مقابل این هویت صفا‌آرایی می‌کند، فهیم نبودن است که می‌تواند به انحراف در تحلیل مسائل و یا ساده‌انگاری و کج‌فهمی مشکلات و معضلات اجتماعی و یا جهانی بینجامد.

### ب) توانمندی پژوهشی

در دل این بحث و این مشخصه، توانمندی‌های علمی و پژوهشی دانشگاه، به روز بودنش در ارتباط با دنیا و دانش‌های روزافزون بشری وجود دارد. فرق است بین مجموعه‌ای که عده‌ای در آن درس می‌خوانند، اما توان برجسته در زمینه تولید علم را نداشته باشند با مجموعه‌ای که یک سری علوم در آنجا تدریس می‌شود و در ضمن تدریس، تحقیق و در ضمن تحقیق، تولید هم می‌شود. توانمندی علمی دانشگاه، متفاوت از داد و ستد متداول دانش نظری و کاربردی مصطلح است. دانشگاهی دارای توانمندی علمی است که خود زاینده علم و دانش باشد و با بهره‌گیری از دانش در حوزه‌های مختلف، دانش کسب شده را به فن‌آوری مبدل نماید. قرآن کریم به عنوان سرمشقی برای همه، یکی از مراحل علم انبیای الهی را ابتکار و فن‌آوری آنان در عرصه‌های مختلف علمی بیان می‌کند که از نمونه‌های آن در قرآن کریم می‌توان به ابتکار داوود نبی (ع) در ساختن نرم کردن آهن و فلزات [وَأَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ] (سبأ/۱۰)، ساخت زره توسط ایشان (الأنبیاء/۸۰) اشاره کرد.

علاوه بر توانمندی علمی و نوآوری، دانشگاه اسلامی در مقوله‌های مختلف علمی صاحب‌نظر می‌باشد. به همان اندازه که توانمندی علمی دانشگاه اهمیت دارد، توانایی و قدرت تحلیل آراء و علوم نیز مهم است. در این مسیر، آموزه‌های اسلامی همواره از مسلمانان می‌خواهد به عیارسنجی و نقد نظریات اندیشه‌های ارائه شده بپردازند: «كُونُوا نِقَادَ الْكَلَامِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۹۶). در دانشگاه اسلامی که مولد علم و دانش در جامعه است و پیوسته با آراء و افکار درگیر است لازم است روح نظریه‌پردازی حاکم باشد و این نهاد به مهد تضارب آراء و اندیشه‌ها مبدل شود و در برابر نظریه‌های عرضه شده نیز قدرت احتجاج داشته باشد. لذا این شاخصه با اصل و ماهیت دانشگاه اسلامی پیوند خورده است. اینچنین دانشگاهی علاوه بر اینکه از نظر علمی مستقل است، از لحاظ فرهنگی و سیاسی پیرو خطّ و مشی‌های مخرب نهفته در علوم و نظریات صادر از مغرب زمین نخواهد شد. اگر دانشگاهی این ویژگی را نداشته باشد، دانشگاهی وابسته است و دانشگاهی اسلامی نیست و ضامن اعتلای جامعه اسلامی ما نخواهد بود.

### ج) جهت‌گیری دینی

اگر دانشگاهی تولید علم کرد و پژوهش و تحقیق به معنای خاص خود در آن به حدّ اعلاء وجود داشت، اما دارای جهت‌گیری باشد که با مبانی اعتقادی اسلام همخوانی نداشت، پس فاقد این شاخصه می‌باشد. در دانشگاه به مفهوم جدیدی که بعد از رنسانس در دنیا مطرح شده و الان نیز مطرح است، علم‌گرایی به مفهوم علوم تجربی و انسان‌محوری به جای خدامحوری و سکولاریزم را پایه و مبانی اصلی



خود قرار داده است. این دانشگاه با این ویژگی‌ها به کشورهای مشرق‌زمین نیز منتقل شده است. در این دانشگاه با این مبانی، یک سری آفات وجود دارد؛ در آن علم و تحقیقات و پژوهش هست، اما به روح و فطرت دین‌طلب انسان بی‌توجه است و در حقیقت به صورت تک‌بعدی به انسان برخورد می‌کند. اما در دانشگاه اسلامی مورد نظر ما، علم هست، پژوهش هست، اما جهت‌گیری دینی در آن مطرح است و اندیشه‌های الهی گرداننده این دانشگاه است و به تبع، معنویت و انسانیت، نیز در آن محوریت پیدا می‌کند. قرآن کریم در آیه ۱۲۲ سوره توبه، یکی از شاخصه‌های کسب دانش را، جهت‌گیری دینی در کسب علم بیان می‌نماید: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ». تفقه، به معنای تلاش برای کسب شناخت عمیق دین است که در اینجا به معنی کسب علم و احکام دینی برای خداوند و نجات امت می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۱۹۱). بر همین طریق، این جهت‌گیری در دانشگاه، شاخصه اسلامی بودن آن است. بنا بر آنچه که ذکر شد، دانشگاه اسلامی در آن علم اسلامی آموزش داده می‌شود، اما در این برداشت منظور از علم اسلامی فقط علمی مثل فقه و فلسفه و یا سایر رشته‌های علوم انسانی نیست، بلکه علم اسلامی علمی است که انسان را در مسیر توحیدی قرار می‌دهد و در این باره همه علوم مشترکند. همچنین این جهت‌گیری دانشگاه که بر پایه معارف و جهان‌بینی اسلامی شکل می‌گیرد، تأییدی بر الهی بودن و خدامحوری این نظام علمی معرفی می‌باشد. در حدیثی از امام صادق (ع) روایت شده است که: «مَنْ تَعَلَّمَ لِلَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ) وَ عَمِلَ لِلَّهِ وَ عِلْمَ لِلَّهِ، دُعِيَ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ عَظِيمًا، وَ قِيلَ: تَعَلَّمَ لِلَّهِ وَ عَمِلَ لِلَّهِ وَ عِلْمَ لِلَّهِ؛ اگر کسی برای خدا دانش بیاموزد و به دیگران تعلیم دهد و علم را برای خدا به مرحله عمل برساند، در ملکوت آسمانها بزرگ شمرده می‌شود» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۷). این حدیث پُر محتوا به روشنی جایگاه جهت‌گیری دینی در کسب علم و دانش در دانشگاه و مفهوم خدامحوری در آن را بیان می‌نماید.

#### د) فایده‌مندی و خدمت‌گزاری

اگر دانشگاه هویت علمی داشته باشد، از جهت‌گیری اسلامی هم به معنای عامش برخوردار باشد، ولی فاقد توانایی خدمت‌رسانی به جامعه باشد، دانشگاهی اسلامی نیست. چون یکی از مهم‌ترین اهداف خلق دانشگاه، ایجاد مجموعه‌ای که علوم روز مورد نیاز یک جامعه را تولید می‌کند و به زندگی دنیوی مردم خدمت می‌رساند. بر این مبنا، دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است خدمت‌رسان که منشور «تَعَاوَنُوا عَلَىٰ الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ» (المائدة/۲) را سر لوحه همه فعالیت‌های خود قرار می‌دهد و در دانشگاه عنصری

پرورش داده می‌دهد که علم را برای نجات و هدایت خود و جامعه تولید و ترویج می‌کند و به تعبیر مولای متقیان: «مَتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَ هَمَّجٌ رَعَاعٌ أَتْبَاعُ» (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۴۷).

مقام معظم رهبری در در مورد اصل خدمت‌گزاری فرمودند: «تکلیف و وظیفهٔ مسؤولان در نظام جمهوری اسلامی ایران، به‌کارگیری تمام توان برای خدمت به مردم است» (مقام معظم رهبری، کیهان: ۱۳۷۹/۸/۲۸). لذا اگر دانشگاه - به عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق نهادهای مسؤول در نظام جمهوری اسلامی - از این شاخصه برخوردار نباشد، به یک جزیرهٔ جدای از جامعه و یک مجموعه‌ای که اصلاً خودش را در دل جامعه و مردم نمی‌بیند، تبدیل می‌شود. اگر دانشگاه به جامعه خدمت نکند و خود را خادم مردم نداند، همین دانشگاه، ممکن است خود را در نقطهٔ مقابل مردم ببیند و به عنوان ابزاری برای سرکوب مردم ایفای نقش بکند. ممکن است دانشگاه به عنوان مجموعه‌ای دانشگاهی سرکوب‌کننده نباشد، اما فکر دانشگاهی، فکر پرورش‌یافته در دانشگاه، به جای خدمت و کمک و همخوانی با جامعه در نقطهٔ مقابل و متضاد با جامعه قرار گیرد که این آفت دانشگاه را از اسلامی بودن و اسلامی شدن دور می‌کند.

### ه) رضایت‌محوری

در نظام اسلامی که مردم محوریت دارند، رعایت رضایت مردم و برآوردن نیازهای آنان، از اساسی‌ترین شاخص‌های هر نهاد محسوب می‌شود. دانشگاه اسلامی نیز به عنوان نهادی که با هدف خدمت به مردم ایجاد شده است، از شاخصهٔ رضایت‌محوری برخوردار است و رضایت مردم - به عنوان ولی نعمتان جامعه - همراه با رعایت حق و عدالت جزء اهمّ امور می‌باشد و در نتیجهٔ توجه و تحقق این معیارهاست که این نهاد، نهادی اسلامی خوانده می‌شود. عدم پایبندی به معیار فوق، تحقق اهداف این نهاد را با مشکل مواجه می‌کند. حضرت علی (ع) در دستور خود به مالک اشتر می‌نویسد: «وَلْيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ وَ أَعْمَقُهَا فِي الْعَدْلِ وَ أَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ» دوست‌داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در حق میانه‌ترین، و در عدل فراگیرترین، و در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین باشد» (نهج‌البلاغه / ن ۵۳). امام علی (ع) با بیان «أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ»، مدیریت را به واقع‌بینی و رعایت امکانات موجود در جامعه فرامی‌خواند و می‌فرماید در جانب‌داری از حق، آنچه حتی الامکان به حق نزدیک‌تر است، مراعات کن. با این واقع‌گرایی است که امام علی (ع) در رعایت عدالت نیز مسلمانان را به در نظر گرفتن تمام ابعاد گوناگون آن فرامی‌خواند و در نهایت، جلب رضایت تودهٔ مردم و مدیریت شوندگان را ملاک تحقق درست حق و عدالت می‌داند (ر.ک؛ جعفری، ۱۳۷۳: ۲۱۷).

مقام معظم رهبری در مورد این شاخص می‌فرماید: «در نظام اسلامی رسیدگی به امور مردم، تأمین رفاه و آسایش و حلّ مشکلات آنان یک اصل مهم است» (روزنامه جمهوری اسلامی: ۷۹/۹/۱). بنابراین، در دانشگاه مردم‌مدار اسلامی، رضایت‌مداری از اهمّ امور خواهد بود و در چنین نظام مردمی، برای رضایت عمومی تلاش می‌شود.

### ۳) شاخص‌های چشم‌انداز دانشگاه

با تدبّر در آموزه‌های حیات‌بخش دین مبین اسلام و بهره‌گیری و استنباط از این آموزه‌ها می‌توان از مؤلفه‌هایی ارزشی نام بُرد که در جهت دستیابی به جایگاه مطلوب دانشگاه اسلامی، ظهور و بروز آنها در دانشگاه به معنای دستیابی به جایگاه متعالی این نهاد می‌باشد. لذا تبیین و بررسی این مفاهیم، به معنای طراحی سیمای مطلوب آن می‌باشد که در ادامه با تفصیل مؤلفه‌ها و شاخص‌های مورد نظر، تلاش خواهد شد سیمای شایسته این نهاد طراحی و ترسیم شود:

#### الف) دانایی

همان‌طور که از معنای لفظ دانشگاه برمی‌آید، دانشگاه محلّ دانش است و دانایی نیز در معنای آن مستتر است. در گسترش روزافزون مرزهای دانایی برای تواناسازی هر چه بیشتر انسان‌ها، نهاد دانشگاه از شاخص‌ترین نهادهایی است که در این عرصه حضور دارد (صفایی فخری و بهرنگی، ۱۳۸۸: ۱۴۰). با در نظر داشتن جایگاه دانشگاه در خَلق این مؤلفه و رابطه این مؤلفه با علم و دانش و همچنین با توجّه به اهمیّت و جایگاه ویژه این مؤلفه در نظام اسلام که دانایی را ارزشی با منشأ الهی معرفی می‌کند: «أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (البقره/۲۳۱)؛ «إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ» (الأنعام/۸۳). لذا لازم و ضروری است اولین شاخص چشم‌انداز دانشگاه اسلامی با الهام از آموزه‌های اسلامی، صبغۀ الهی داشته باشد و در تمامی ابعاد و ارکان، مزین به ارزش والای دانایی باشد و برای تحقّق آرمان متعالی شدن، نه تنها باید عملکردش مبتنی بر دانایی باشد، بلکه باید خود به عنوان سرچشمۀ دانایی، با خلق فرهنگ خیرد جمعی، جریان مستحکمی از دانش و حکمت را در جامعه پدید آورد. در غیر این صورت چنانچه این نهاد مبتنی بر دانایی نباشد، هیچگاه نخواهد توانست رسالت حقیقی خویش را ایفا کند. در این راستا شاخص دانایی‌محوری به عنوان مهم‌ترین شاخص چشم‌انداز دانشگاه مزین به ارزش‌های اسلامی به شمار می‌آید و برای محقّق شدن این مهم لازم است موجباتی فراهم آید تا این مؤلفۀ الهی در دانشگاه محقّق شود.

## ۱. راهبردها و زمینه‌های پیدایش دانایی

اما به راستی چه راهبردی تحقق این شاخص از چشم‌انداز دانشگاه میسر می‌نماید؟ و با بیانی روشن‌تر، مهم‌ترین اقدام برای دستیابی و ایجاد فرهنگ فرزاندگی و دانایی در دانشگاه کدام است؟

برای دریافت پاسخ، لازم است به آموزه‌های حیات‌بخش اسلام عزیز - که رسالت خود را هدایت بشر می‌داند - رجوع کرد. این مهم در کلامی گهربار از پیامبر اکرم (ص) که رحمة للعالمین است، قابل برداشت می‌باشد؛ آنجا که ایشان در مقام توصیه تمسک به قرآن کریم، تمسک به قرآن و شناخت آن را به عنوان راه دستیابی به فرزاندگی، حکمت و دانایی بیان کردند. ایشان در این باره می‌فرمایند: قرآن ظاهری دارد و باطنی؛ ظاهر آن حکمت و فرزاندگی است و باطن آن علم و دانایی، ظاهر آن نیکو و شگفت‌انگیز است و باطن آن ژرف. مرزها و ظواهری دارد که هر یک را مرزهایی است. عجایب آن از شماره بیرون است، و شگفتی‌های آن کهنه نمی‌شود. در آن چراغ راهنمایی و منزلگاه‌های فرزاندگی و دلالت بر نیکی برای کسی است که آن را بشناسد: «لَهُ ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ فَظَاهِرُهُ حُكْمٌ وَ بَاطِنُهُ عِلْمٌ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَهُ نُجُومٌ وَ عَلَى نُجُومِهِ نُجُومٌ لَا تُحْصَى عَجَائِبُهُ وَ لَا تُبْلَى عَرَائِبُهُ فِيهِ مَصَابِيحُ الْهُدَى وَ مَنَارُ الْحِكْمَةِ وَ دَلِيلٌ عَلَى الْمَعْرِفَةِ لِمَنْ عَرَفَ الصِّفَةَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۵۹۹). این کلام پرمحتوا دلالت بر این دارد که قرآن کریم در بردارنده مفاهیم ارزشمندی است که شناخت این مفاهیم و آموزه‌های الهی، راه دستیابی به دانایی، علم و حکمت می‌باشد. همین مضمون نیز در قرآن کریم مورد تأکید واقع شده است و این کتاب آسمانی یکی از مهم‌ترین محورهای خود را معرفت‌بخشی و ایجاد شناخت برای دانایان و صاحبان اندیشه معرفی می‌نماید: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ: این کتابی است پربرتک که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن تدبیر کنند و خردمندان متذکر شوند» (ص/۲۹)؛ «هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذَرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ: این (قرآن)، پیام (و ابلاغی) برای (عموم) مردم است؛ تا همه به‌وسیله آن انذار شوند و بدانند او خدای یکتاست و تا صاحبان مغز (و اندیشه) پند گیرند» (ابراهیم/۵۲) و نیز همین معنا از آیه شریفه ۴۹ سوره عنکبوت قابل برداشت می‌باشد. لذا با در نظر داشتن و تأمل در این آموزه‌های حیات‌بخش، می‌توان ادعا کرد که مهم‌ترین راهبرد محقق شدن شاخص دانایی در دانشگاه، انس، تدبیر و شناخت مفاهیم قرآن کریم می‌باشد؛ چرا که تدبیر در آموزه‌ها و مفاهیم والای قرآن کریم می‌تواند زمینه‌هایی را فراهم آورد که مسیر کسب دانایی را هموار خواهد کرد. زمینه‌هایی همچون: تعلّم (الکهف/۶۶)، تفکر (الأنعام/۵۰)، ایمان به خداوند (التّمّل/۸۱ - ۸۰؛ الروم/۵۲-۵۳)، آخرت‌اندیشی (ص/۴۶-۴۵)، رشد (یوسف/۲۲؛ القصص/۱۴)، تقوا (البقره/۲۸۲)، تزکیه و خودسازی نفس (الواقعه/۷۹) و تبعیت و پیروی از دانایان (مریم/۴۳) از اهمّ ارزش‌هایی است که با

فراهم آوردن این زمینه تحقّق آنها در دانشگاه، مسیر و خط دستیابی به دانایی هموار خواهد شد. مهم‌ترین باید یادآور شد همچنان که در جریان دستیابی به این شاخص در دانشگاه، فراهم آوردن تمامی زمینه‌های مزبور لازم و ضروری می‌باشد، فقدان هر یک از زمینه‌های مذکور، چالش و آفتی در مسیر تحقّق این شاخص در دانشگاه اسلامی می‌باشد.

## ۲. آثار دانایی

اما اینکه تحقّق شاخص دانایی در دانشگاه چه ثمره‌ای خواهد داشت؟ با توجه به اینکه قرآن کریم ثمره دانایی را اینگونه بیان می‌دارد که دانایی و حکمت، شناخت و ایمان حقیقی به خداوند را به ارمغان می‌آورد: «... إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا: کسانی که پیش از آن به آنها دانش داده شده، هنگامی که (این آیات) بر آنان خوانده می‌شود، سجده‌کنان به خاک می‌افتند...» (الإسراء/۱۰۷). لذا خلق آن در دانشگاه و زینده شدن دانشگاهیان با این فرهنگ، روح ایمان حقیقی را در دانشگاه و جامعه حاکم خواهد کرد. در حقیقت، دانایی در درجه نخست اعتقاد همراه با شناخت و ایمان بر مبنای اندیشه و بصیرت را به ارمغان می‌آورد. همچنین از دیگر آثار پُر برکت تحقّق این شاخص وظیفه‌شناسی و مسؤولیت‌پذیری است. در فرهنگ اسلام، دانایی تکلیف‌آور است. هرچه انسان بیشتر بداند و بتواند، مسؤولیت آن سنگین‌تر است. دانایی و توانایی، زمینه‌ساز مسؤولیت انسان مسلمان است. اگر دانایی دست انسان را نگیرد و به نجات نرساند، وبال گردن است و مایه بدفروجامی. خسارت از آن کسی است که چیزی نمی‌داند و خسران‌زده‌تر کسی است که می‌داند، ولی عمل نمی‌کند. در این باره، پیامبر خدا (ص) ابوذر غفّاری را اینگونه نصیحت می‌کنند: «ای ابوذر! در قیامت گروهی از بهشتیان به اهل دوزخ رو کرده، می‌پرسند: ما به کمک تعلیم‌ها و آموزش‌های شما و در سایه تأدیب و تربیت شما به بهشت وارد شدیم. پس چرا شما خودتان به دوزخ افتادید؟! می‌گویند: ما به خیر آگاه بودیم و دیگران را به انجام آن دعوت می‌کردیم، ولی خودمان اهل عمل به آن نبودیم» (طبرسی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۴۵۳).

از دیگر آثار تحقّق این شاخص می‌توان به هدایت‌یافتگی (مریم/۴۳) و پذیرش حق و حق‌گرایی (الحشر/۲) اشاره کرد. بهره‌وری از نعمت‌ها و توانایی (التّجم/۵) نیز از دیگر آثار تحقّق شاخص مذکور می‌باشد که این مفهوم در کلام حکیم فرزانه، نظامی گنجوی نیز آمده است:

«هر که در او جوهر دانایی است،  
در همه کارش توانایی است»  
(نظامی، ۱۳۹۱: ۱۱۲).

### ۳. موانع تحقق دانایی

از دیدگاه کلام وحی، علل و عواملی مانع تحقق این شاخص از چشم‌انداز دانشگاه هستند که از جمله آنها می‌توان از موانعی همچون: ناآگاهی و اندیشه جاهلانه (الروم/۵۹)، تعجیل و شتاب‌زدگی در داوری (الإسراء/۱۱)، موضع‌گیری نادرست در برابر اندیشه‌های نو (المؤمنون/۶۸)، اسطوره‌گرایی (الأنعام/۲۵)، حق‌ستیزی و لجاجت در پذیرش امور (الأنعام/۲۵)، تعصب و وفاداری به آرای پیشینیان (لقمان/۲۱)، دروغ‌پردازی (الجاثیه/۷-۸)، گناه‌پیشگی (الأعراف/۱۰۰) و توجه و علاقه به مادیات (آل عمران/۱۴) نام برد.

#### ب) توانایی

در این مبحث منظور از توانایی دانشگاه، تقویت و ارتقاء سطح تجربه و دستیابی به قوه خلاقیت و ابتکار در ساختن و فراهم آوردن امکانات مادی در جهت رشد دانشگاه و جامعه می‌باشد. اصولاً یکی از اهداف استقرار دانشگاه‌ها نیز برای همین است که انسان توفیق آن را بیابد که از مواهب و امکانات بی‌حد و حصری که خداوند بزرگ در طبیعت آفریده، در جهت بهبود زندگی و بهتر زندگی کردن بهره‌برداری نماید و به قسمی که می‌بینیم و می‌دانیم مللی که زودتر به این حقیقت پی برده‌اند و دانشگاه‌های مجهز برای خود تهیه نموده‌اند، چگونه از مزایای آن مستفیض می‌شوند و چگونه در پشت دیوار مستحکم شده دانشگاه‌های خود، سیادت و برتری خود را تأمین و تحمیل می‌کنند (راد، ۱۳۴۳: ۱).

در آموزه‌های دین مقدس اسلام شاخص توانایی و توانمندی از صفات خداوند به شمار می‌رود و لذا منشاء الهی دارد «إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (البقره/۲۰)؛ «إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (الحديد/۲۵). همچنین در قرآن کریم پس از مفهوم ارزشمند دانایی، توانایی و توانمندی را به عنوان ملاک و معیار شایستگی معرفی می‌نماید. این مفهوم از آیه ۲۴۷ سوره بقره قابل برداشت می‌باشد؛ آنجا که خداوند کریم دو صفت دانایی و توانایی حضرت داوود(ع) را عامل شایستگی و برگزیدن ایشان بر مردم قومش معرفی می‌نماید: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ» (البقره/۲۴۷). در آیه مذکور خداوند کریم شایسته بودن حضرت داوود(ع) را به خاطر وجود دو صفت دانایی و توانایی ایشان معرفی می‌نماید. آیه شریفه دلالت بر این مطلب دارد که قدرت علمی و توانایی، باعث برگزیده شدن و اصطفا شدن حضرت داوود(ع) بر سایرین می‌باشد و خداوند این صفات را به عنوان ملاک برتری و شایسته بودن ایشان نسبت به سایرین معرفی می‌نماید (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۶: ۵۰۵). با در نظر داشتن اهمیت و جایگاه ویژه توانایی در اسلام، این مؤلفه به عنوان دومین شاخص از چشم‌انداز دانشگاه، هدفی

مهم و ضروری برای این نهاد است. همچنین از مضمون آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (الأنفال/ ۶۰) که به عنوان منشور لزوم فراهم آوردن قدرت و توانایی همه‌جانبه تلقی می‌شود، ضرورت ظهور و بروز این شاخص را دانشگاه به دست آید.

در حقیقت، این شاخص ماحصل و نتیجه ترکیب دانایی و تعاون خواهد بود. اگر در دانشگاه دو عامل دانایی و تعاون به درستی با یکدیگر ترکیب شوند، نتیجه مسلم و منطقی آن توانایی خواهد بود که در برابر آن، بسیاری از چالش‌ها و نگرانی‌های موجود که ناشی از ضعف و ناتوانی دانشگاه و جامعه علمی ما می‌باشد، کمرنگ خواهد شد. این شاخص، ضامن و زمینه‌ساز اقتدار، بالندگی، رشد مادی و معنوی جامعه اسلامی است.

### ۱. عوامل و زمینه‌های تحقق توانایی

در مسیر تحقق این شاخص از چشم‌انداز لازم است راهبردهای توانایی دانشگاه از دیدگاه آموزه‌های اسلامی را دریافت و با اعمال این راهبردها به این ارزش الهی دست یافت. با مَدّ نظر قرار دادن آموزه‌های دین مبین اسلام به خصوص آیات قرآن کریم می‌توان اولتین راهبرد دستیابی به توانایی دانشگاه را تولید و ترویج علم و دانش بیان کرد. قرآن کریم گویای این مهم می‌باشد که علم و دانش عامل اصلی توانایی و قدرت است. چنانچه این پیام از آیه ۴۰ سوره نمل قابل استنباط است. این سوره به طرح داستان حضرت سلیمان و ملکه سبا می‌پردازد و بیان می‌دارد وقتی که حضرت سلیمان از سایرین درخواست می‌کند که چه کسی قادر است تخت ملکه سبا را برایم بیاورد؟ سپس قرآن کریم درباره این عمل خارق‌العاده می‌فرماید: (اما) کسی که دانشی از کتاب داشت، گفت: پیش از آنکه چشم بر هم زنی، آن را نزد تو خواهیم آورد: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ». آیه مذکور به این مهم اشاره دارد که حتی بهره‌مندی بخشی از علم، توانایی و توانمندی قابل ملاحظه‌ای در بر دارنده آن به وجود می‌آورد تا جایی که با استفاده از نیروی خود در طرفه‌العینی عمل خارق‌العاده‌ای انجام می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۴۲۱). بر این اساس، علم و دانش را می‌توان مهم‌ترین زمینه دستیابی به توانایی به شمار آورد و اساساً می‌بینیم که در آموزه‌های اسلامی علم و توانایی به عنوان دو مؤلفه توأم با هم معرفی شده‌اند. به این معنا که علم همراه با قدرت است و قدرت همراه با علم و اصلاً می‌توان ادعا کرد که علم و قدرت عین یکدیگرند؛ علم عین قدرت است و قدرت عین علم. لهذا از دیدگاه قرآن کریم هر دو به شکل واحد موجود هستند: «عَلَّمَهُ شَدِيدٌ

الْقَوَى» (النجم/۵). از این روست که هر کس، هر اندازه سهم و بهره بیشتری که از علم داشته باشد، قانون جهان را بهتر می‌داند و به تبع، بر قدرت آن نیز افزوده می‌شود:

منظور از علمی که در این جریان می‌تواند کارآمد واقع شود و ماحصل آن توانایی دانشگاه باشد، علم نافع و مفید است و چه بسا تنها علوم کاربردی و نفع‌رسان را می‌توان علم حقیقی و ارزشمند به حساب آورد. مبنای این ادعا آموزه‌های اسلامی است که در این مورد از مولای متقیان در کلام گهربارشان آمده است که فرمودند: بدان، علمی که در آن نفع و فایده‌ای نباشد، خیر نیست و تعلّم علمی که در آن انتفاع برده نشود، سزاوار نیست: «وَأَعْلَمُ أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَلَا يَنْتَفِعُ بِهِ عِلْمٍ لَا يَحِقُّ تَعَلُّمُهُ» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق.، ج ۱۶: ۶۴). بر این اساس، در دانشگاه اسلامی تولید و ترویج علم و دانش نافع و سپس کاربردی کردن این علوم از اهمّ مسائل می‌باشد. با تکیه بر این محور و خروج از فضای سنتی علم برای علم و ورود به فضای علم برای کار و عمل، از قالب‌های نظری بیرون می‌آید و به سمت و سوی قواعد کاربردی گام برمی‌دارد و می‌تواند با به خدمت گرفتن جهان در شکل مؤثرتری ظاهر شود و از این رهگذر، خالق رفاه و آسایش برای جامعه باشد. از دیگر عواملی که با تدبّر در آموزه‌های اسلامی می‌تواند راهبرد دستیابی به توانایی دانشگاه قلمداد شود، برخورداری از معرفت و شناخت صحیح است. در قرآن کریم، خداوند قادر از پیامبر اسلام (ص) می‌خواهد که مؤمنان را تشویق به جنگ با کفار بکند و به مؤمنان وعده پیروزی بر کفار را می‌دهد به سبب اینکه مؤمنان از شناخت صحیحی برخوردارند، ولی کسانی که کافرند صاحب خرد نمی‌باشند و لذا در برابر مؤمنان شکست می‌خورند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنْ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» (الأنفال/۶۵). اما سرّ اینکه شناخت صحیح چگونه به مؤمن قوّت و اقتدار می‌بخشد، این است که مؤمنان با تکیه بر این اندیشه صحیح و این تفکر که هر اقدامی که انجام می‌دهند، نیروی خداوند که هیچ نیروی دیگری معادل آن نبوده و در برابر آن تاب مقاومت نمی‌آورد، پشتیبان آنان است و همین فهم صحیح صاحبش را با شهامت و دارای استقامت و آرامش قلب به بار می‌آورد. به خلاف کسانی که اتکاء آنان همه بر هوای نفس و اعتمادشان همه بر ظواهری است که شیطان در نظرشان جلوه می‌دهد و معلوم است دل‌هایی که تمام اعتمادشان بر هوا و هوس است، هرگز متفق نمی‌شوند و اگر هم احياناً متفق شوند، اتفاقشان دائمی نخواهد بود و بسیار نادر است که دلی بی‌ایمان تا پای جان بر سر هواهای خود پایدار بماند و این نیست مگر به خاطر فقه و معرفت مؤمنان که خود علم و ایمان را در بر دارد و به خاطر جهل کفار که خود ملازم با کفر و هوی‌پرستی است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۱۶۲). این آیه شریفه برای ما به صورت کاملاً واضح و آشکارا، این اصل را بازگو می‌کند که آگاهی و معرفت از عوامل حقیقی احراز



توانایی است و همین اصل، نقش مهمّ و اساسی در توانمندی دانشگاه نیز ایفا می‌کند. به این معنا که در دانشگاه، آگاهی و بصیرت نسبت به اهداف و ارزش‌ها، روح استقامت و پایداری را - که ثمرهٔ درخت ایمان است - تقویت می‌نماید. پایداری و استقامت دانشگاه در مسیر دستیابی به این اهداف و ارزش‌ها نقش برجسته و مؤثّری دارد که در نتیجهٔ آن این نهاد می‌تواند با غلبه بر سختی‌ها و مشکلات، روز به روز بر قدرت خود و جامعه بیفزاید. درست در جهت عکس، عدم آگاهی از ارزش‌ها و اهداف مقدّسی که دانشگاه رسالت آن را در جامعه بر عهده دارد، روح استقامت و پایداری را از کف خواهد گرفت و با تسلیم شدن در برابر ضدّ ارزش‌ها، نتیجه این خواهد شد که دانشگاه به عنصری بیمار و به ضعف و ناتوانی گرفتار می‌شود.

از دیگر عواملی که از دیدگاه آموزه‌های اسلامی زمینهٔ دستیابی به توانایی را فراهم می‌آورد، اتّحاد و همبستگی است. اتّحاد و یکپارچگی و دوری از اختلاف و تفرقه، از دستورات اکید الهی است که در آیات متعدّد قرآن کریم به آن فرمان داده شده است: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید، و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود» (الأنفال/۴۶). این آیهٔ شریفه مسلمانان را به اتّحاد فرا می‌خواند و از پراکندگی برحذر می‌دارد، چراکه تفرقه و نزاع به اختلاف و سستی می‌انجامد و نتیجهٔ این سستی و فتور، از میان رفتن قدرت و قوّت است. همین مضمون نیز از آیهٔ «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/۱۰۳) قابل برداشت می‌باشد. از آنجا که دانشگاه نهادی است که در بطن جامعه قرار دارد و در شرایط گوناگون نقش کانونی در جامعه را ایفا می‌کند، لازم است این اصل مهم را سرلوحهٔ خود قرار داد و خود به عنوان محور وحدت در جامعه، همگان را به رعایت این اصل مهم سوق دهد. وحدت کلمه در این نهاد، نیرومندی دانشگاه و به تبع آن، وحدت و عزّت جامعه را در پی خواهد داشت و در نقطهٔ مقابل، پراکندگی و تفرقه در این رکن حیاتی جامعه، شوکت و نیروی دانشگاه و جامعه را از بین خواهد برد. در حقیقت، رعایت این اصل مهم، ضمانت بخش توانایی دانشگاه است و در خلاف، وانهادن آن مانعی در مقابل توانایی این نهاد.

## ۲. آثار توانایی و توانمندی دانشگاه

پس از بیان عوامل دستیابی به توانایی، شایسته است که آثار نیرومندی دانشگاه نیز ذکر شود که در این نوشتار به سبب حفظ اختصار کلام، به صورت گذرا به آنان اشاره می‌شود. از مهم‌ترین آثار توانمندی دانشگاه می‌توان به بهره‌گیری از مواهب و امکانات بی‌حدّ و حصری که خداوند بزرگ در طبیعت آفریده، در جهت بهبود زندگی و بهتر زندگی کردن اشاره کرد که با تکیه بر تولید علم نافع و

کاربردی کردن علوم محقق خواهد شد که در مباحث قبل به آن اشاره شده است. نتیجه دیگری که از قدرتمندی دانشگاه به دست می‌آید، حفظ و حراست از حقوق جامعه می‌باشد (آل عمران/۷۵). همچنین توانایی این نهاد نقش بسزایی در اجرا و تحقق عدالت دارد که این مهم نیز از آیه ۲۵ سوره حدید قابل استنباط است. محبوبیت (البقره/۱۶۵)، حفظ و صیانت از تعالیم و آموزه‌های دینی (البقره/۶۳) و الأعراف/۱۴۵) نیز از دیگر دستاوردهای دانشگاه توانا و توانمند می‌باشد. مهم‌ترین آثار و دستاوردهای قدرتمندی دانشگاه تنها در موارد مذکور خلاصه نمی‌شود، بلکه موارد مذکور از اهم آثار می‌باشند که در این نوشتار به آنان اشاره شده است و سایر آثار تحقق این مهم، با تدبیر در آموزه‌های اسلامی مستنبط می‌باشد.

### ج) نیکویی

« که اویست بر نیکویی رهنمای از اویست گردون گردان به جای»  
(فردوسی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۶۴).

از جمله مفاهیم ارزشمندی که در آموزه‌های دینی به خصوص قرآن کریم، مورد توجه و عنایت فراوان قرار گرفته و به آن سفارش شده است، انجام نیکی و نیکویی است. درباره اهمیت و جایگاه این مفهوم همین بس که قرآن کریم به طور مکرر مخاطبان خود را به آراسته شدن به این ارزش ترغیب و تشویق می‌کند و همگان را به اجرای این ارزش فرمان می‌دهد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (النحل/۹۰) و کسانی را که به این صفت زیننده شده‌اند، مورد ستایش قرار داده و آنان را محسن و محبوب خداوند معرفی کرده و به پاداش دنیوی و اخروی وعده داده است: «فَأَتَاهُمُ اللَّهُ تَوَابًا دُنْيَا وَحَسَنَ تَوَابٍ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (آل عمران/۱۴۸). با در نظر داشتن این مفاهیم و نیز از این رهگذر که خداوند سبحان، خود منشأ و خالق حقیقی نیکویی است و دوست می‌دارد عالمیان نیکی و شایستگی را نصب‌العین خود قرار دهند و نیکوکار باشند: «أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا خَالِقُ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ فَطُوبَى لِمَنْ أُجْرِيَتْ عَلَيَّ يَدَيْهِ الْخَيْرِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۱۵۴). دانشگاه اسلامی نیز به عنوان نهادی که رسالت تبلور آموزه‌های اسلامی را در جامعه بر عهده دارد، لازم و ضروری است خود را به نیکی و نیکویی آراسته نماید. در مقام روشن شدن ماهیت این شاخص از چشم‌انداز دانشگاه می‌توان گفت نیکویی دانشگاه به این معناست که دانشگاه نیکو، طالب و خواهان همه خوبی‌ها و فضائل برای خود و جامعه است و در مسیر دستیابی به آن دوری از همه خصلت‌های ناپسند و آراسته شدن به خوبی‌ها در کنار اصل خیررسانی و بخشندگی باید سرلوحه فعالیت‌های این نهاد باشد.

## ۱. زمینه‌های پیدایش نیکویی

پس از تبیین جایگاه و اهمیت این بُعد از دانشگاه، این سؤال مطرح می‌شود: اول اینکه چه علل و عواملی سبب پیدایش این صفت عالی در دانشگاه می‌شود؟

در پاسخ سؤال اول، قرآن کریم دو عامل مهم را به عنوان زمینه دستیابی به نیکویی معرفی می‌نماید. عامل اول در پیدایش نیکویی، ایمان حقیقی به خداوند متّان است. به عبارت دیگر، ریشه و منشأ اصلی پیدایش نیکویی را می‌توان در ایمان به خداوند دانست، چرا که روح ایمان و باور به رضایت و پاداش خداوند است که ضرورت نیکو شدن را در یک عنصر ایجاب می‌کند. از این روست که انگیزه دوری از ناپسندها و بدی‌ها و تلاش برای خیررسانی و احسان به وجود می‌آید: «إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ \* إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ» (الصّافات/ ۸۰ و ۸۱). بنابراین، تقویت روحیه ایمان در ابعاد و ارکان دانشگاه به طور مستقیم در نیکو شدن دانشگاه مؤثر می‌باشد و با تقویت روحیه ایمان است که حقیقت و روح نیکویی به معنای واقعی کلمه در دانشگاه متبلور خواهد شد و در این صورت است که نه تنها نهادی نیکو در متن و بطن جامعه خواهیم داشت، بلکه این نهاد ترویج‌دهنده روحیه نیکویی و نیکو بودن در جامعه خواهد بود. همچنین دومین عامل که در پیدایش و تقویت این ارزش در دانشگاه مؤثر است، تقویت روحیه عبودیت و بندگی خدا می‌باشد، چه اینکه بیان شد که ایمان به خدا سبب تلاش رضایت و خشنودی خداوند می‌شود و این هدف نیز جز از مسیر بنده خدا بودن و خیررسانی و احسان محقق نخواهد شد که این مفهوم از آیات شریفه (۸۱ و ۸۰ سوره صافات) أخذ می‌شود.

## ۲. آثار نیکویی دانشگاه

با در نظر داشتن تصویر ارزش و جایگاه این مفهوم در نظام فکری و ارزشی اسلام، آثار و پیامدهای گوناگون اجتماعی، فرهنگی، آخرتی را در حوزه آموزه‌های قرآنی و روایی قابل برداشت است که می‌توان اولین اثر آراسته شدن به نیکویی را محبوبیت دانست. نیکی به جهت برانگیختن احساس خوشی و لذت روحانی، امری شایسته و ارزشی است که هم موجب رضایت و محبوبیت نزد خداوند می‌شود: «أَحْسِنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (المائدة/ ۹۳) و هم به سبب اینکه این ارزش مطابق فطرت گرایش به زیبایی‌ها و تحسین است و از لحاظ زیباشناختی روح لطیف آدمی را به خود جلب و جذب می‌کند، مورد تحسین عموم مردمان قرار می‌گیرد و اقبال و استقبال بیشتر اهل علم و جامعه را نسبت به این نهاد به ارمغان می‌آورد.

همچنین از دیگر آثار آراسته شدن دانشگاه به این ارزش را می‌توان به ارتقاء منزلت و جایگاه دانشگاه در جامعه اشاره کرد. عنصری که نیک بودن را سرلوحه ارزش‌های متعالی خویش قرار دهد و خود را نیکو گرداند. در حقیقت، در گام نخستین منزلت و جایگاه خود را ارتقاء می‌دهد، چه اینکه قرآن کریم نیکو بودن حضرت یوسف (ع) را سبب اعطای قدرت و منزلت اجتماعی به ایشان معرفی می‌نماید: «وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (یوسف/۵۶).

از دیگر آثار با برکت متخلّق شدن به این ارزش می‌توان به هدایت ویژه و هدایت‌پذیری اشاره کرد. نیکویی و وارسته شدن به نیکی‌ها، ارزشی است که این نهاد با زینده شدن بدان رضایت و خشنودی الهی را در پی دارد و این، زمینه‌ساز بهره‌مندی این نهاد از الطاف الهی از جمله هدایت است: «هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ» (لقمان/۳) که مهم‌ترین این راه همان صراط مسقیم الهی است که به سبب نیکویی خداوند بدان هدایت می‌کند: «وَمَنْ يَسْلَمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى...» (لقمان/۲۲).

ایجاد دوستی و صمیمیت میان انسان‌ها و همگرایی اجتماعی از دیگر آثار تحقق این بُعد از چشم‌انداز دانشگاه است. خداوند با اشاره به این پیامد اجتماعی نیکویی می‌فرماید: «وَلَا تَسْتَوِی الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ: هرگز نیکی و بدی، یکسان نیست، بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است» (فصلت/۳۴). در این آیه، بیان می‌شود که برای برداشتن کینه‌ها و دشمنی‌ها و دوری از واگرایی اجتماعی و دستیابی به همگرایی، احسان و نیکوکاری تا چه اندازه می‌تواند مفید و تأثیرگذار باشد! همچنین از دیگر آثار نیکویی می‌توان به برخوردار شدن از علم و حکمت (القصص/۱۴؛ یوسف/۲۲)، جلب رحمت خاص خداوند (الأعراف/۵۶؛ لقمان/۳) اشاره کرد.

### ۳. مصادیق نیکویی

لازم به ذکر است که در آموزه‌های دین مبین اسلام به خصوص قرآن کریم موارد فراوانی از مصادیق نیکویی را می‌توان یافت که مهم‌ترین لازم و ضروری است دانشگاه اسلامی عامل و آراسته به این ارزش شود. در ذیل به صورت مختصر به اهمّ این مصادیق اشاره می‌شود:

خیرخواهی و اصلاح (التّوبه/۹۱)، انجام وظایف و امتثال امر الهی (الصّافات/۱۰۵)، اجتناب از فساد و ارتکاب فحشاء (الأعراف/۵۶، النّجم/۳۲)، جهاد و تحمّل سختی‌ها (التّوبه/۱۲۰، العنکبوت/۶۹)، عفو و

گذشت از لغزش‌ها (آل‌عمران/۱۳۴، المائده/۱۳)، دعوت به توحید و مودت اهل بیت (الصّافات/۱۲۵، ۱۲۶، ۱۳۱؛ الشّوری/۲۳)، برخورداری از روحیه سازش و مصالحه (النّساء/۱۲۸).

#### ۴. موانع نیکویی

با تدبّر در آموزه‌های اسلامی برداشت می‌شود که موانع تحقّق این شاخص، دو عامل تفاخر (النّساء/۳۶) و تکبّر (همان) می‌باشد. در منطق قرآن، تکبّر و تفاخر به عنوان مهم‌ترین عوامل واگرایی اجتماعی مورد توجه و نظر بوده است و از مردمان خواسته شده است تا از این خصلت رهایی یابند. خصلت و ویژگی که موجب شد تا ابلیس از درگاه ایزد منّان رانده شود و بسیاری از انسان‌ها از راه هدایت دور و دچار گمراهی شوند. قرآن به جای تکبّر و تفاخر از مردمان می‌خواهد تا مَنیش تواضع را به عنوان بستری مناسب برای رشد خصلت نیکویی و همگرایی اجتماعی در پیش گیرند (المائده/۸۳ و ۸۵). فخرفروشی به دیگران و نیز تکبّر از اموری است که موجب می‌شود تا دانشگاه و دانشگاهیان نیز خود را از دیگری جدا و برتر دانسته و حاضر به همراهی با جامعه نشود و از این رو، گرفتار نوعی واگرایی اجتماعی شده و از اجتماع دور و از همزیستی و همکاری و مساعدت جامعه دست می‌شویند که در این صورت این نهاد نافع از مسیر متعالی و مطلوب خود منحرف می‌شود و دیگر عنصری نیکو نخواهد بود. (ناصرخسرو، ۱۳۷۸: ۲۱۸).

#### د) زیبایی

«زیبا به علم شو که نه زیباست آنکس که او به دیبا زیبا شود»

(ناصرخسرو، ۱۳۷۸: ۲۱۸).

زیبایی در اسلام از اهمّیت و جایگاه ویژه ای برخوردار است. دین اسلام، منشأ و حقیقت زیبایی در عالم هستی را جمال دل‌آرای خداوند می‌داند که همه چیز را به زیور نور جمالش بیاراست: «اللّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (النور/۳۵)، خداوند را به زیبایی می‌ستاید و توصیف می‌کند و «جمال» را از نشانه‌های قدرت خدا و از نعمت‌های بیکران او، نسبت به بندگان می‌داند آفرینش آسمان و زمین را «زینت» می‌داند: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا...» (الکَهِف/۷). لذا با سرلوحه قرار دادن اینکه خداوند زیباست و زیبایی را دوست می‌دارد و آثار نعمتش را بر بندگانش ببیند، چنان‌که: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ النُّعْمَةِ عَلَى عَبْدِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج: ۶، ۴۳۸). دیگر این که فطرت انسان، طالب زیباخواهی و زیباجویی است، بر این باوریم دانشگاه اسلامی نیز به

عنوان نهادی که هم ایفای رسالت الهی را برعهده دارد و هم باید مطابق فطرت الهی و زیبایی دوست انسان باشد، لازم است شاخص زیبایی و زیبا شدن را جزء مهم‌ترین اهداف و ارزش‌های خود قرار دهد. بر این مبنا دانشگاه اسلامی نه تنها شایسته است که زیبا، بلکه باید آینه‌دار زیبایی در جامعه باشد و آن را برای جامعه به تصویر بکشد. چنان‌که از آموزه‌های اسلامی برداشت می‌شود، زیبایی به دو دسته ظاهری (مادی) و باطنی (معنوی) تقسیم می‌شود: «حَسْنُ الصُّورَةِ جَمَالٌ ظَاهِرٌ، وَ حَسْنُ الْعَقْلِ جَمَالٌ بَاطِنٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۹۵). به تبع آن، در این مبحث نیز وقتی از زیبایی دانشگاه سخن می‌رود، در حقیقت، منظور زیندگی دانشگاه و دانشگاهیان به هر دو جنبه زیبایی است؛ چه جنبه باطنی و معنوی و چه جنبه ظاهری و فیزیکی.

### ۱. آثار زیبایی

در نظر گرفتن این شاخص برای چشم‌انداز دانشگاه از اهمیت خاصی برخوردار است و آثار ارزنده‌ای را به همراه خواهد داشت. نخست اینکه تخلّق به زیبایی در واقع، تقویت مبنای الهی بودن و الهی شدن این نهاد است، چراکه زیبایی، همواره موجد اندیشه و حرکت به سوی منشأ زیبایی است و از این رو، در قرآن کریم بارها توصیه شده است از کنار زیبایی‌های خلقت به غفلت عبور نکنید و می‌خواهد که نسبت به نشانه‌های زیبایی و زینت پراکنده در هستی بی‌تفاوت نباشیم: «وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ \* تَبْصِرَةً وَذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ» (ق/۷-۸) و در جای دیگر می‌فرماید: «زیبایی آسمان را ما به وجود آورده‌ایم» (فصلت/۱۲). در پایان آیه نیز تصریح می‌کند که این زیباآفرینی کار خالقی عزیز و یکتاست. لذا زیبایی در هر قالبی موجد تدبّر و تدبّر مایه بصیرت نسبت به منشأ و پدیدآورنده این جلوه‌ها خواهد بود.

دوم اینکه با توجه به اینکه میل به زیبایی‌ها از محورهای اساسی نهاد فطرت آدمی است و حسّ زیبایی‌خواهی و زیبایی‌دوستی از روح الهی بشر سرچشمه می‌گیرد، لذا زیبایی دانشگاه عقل و تخیل و تمایلات عالی انسان را تحریک می‌کند و لذّت و انبساط پدید می‌آورد که این به نوبه خود باعث می‌شود این نهاد نیز نمودی مطابق و موافق فطرت داشته باشد و نقش بسزایی در جلب قلوب خواهد داشت و محبوبیت این نهاد در جامعه را به دنبال دارد. زیبایی دانشگاه و دانشگاهیان اندوه را از جامعه می‌زداید، چرا که زیبایی، شادابی و نشاط می‌آورد و جایی در دل انسان برای غم باقی نمی‌گذارد. این مهم به خصوص در زیبایی ظاهری محسوس‌تر می‌باشد، لذا از دیدگاه آموزه‌های اسلامی استفاده از لباس‌های تیره، دل را سیاه می‌کند و غم را در انسان حکمفرما می‌سازد، حتی لباس اهل آتش معرفی شده است و برخی روایات نیز پوشیدن کفش سیاه را نیز عامل ایجاد غم و غصه معرفی کرده‌اند (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق،

ج ۱: ۹۹). همچنین زیبایی رفتار و افعال در دانشگاه باعث می‌شود همگان به انجام آنها شوق و رغبت پیدا کنند، چراکه این افعال، انسان را از زیبایی‌های ظاهری به زیبایی‌های حقیقی‌تر و باطنی‌تر می‌خواند و فهم اهمیت روح زیبا را در مقابل ظاهر زیبا برای بشر فراهم می‌سازد. تقویت و تعمق این فرهنگ در دانشگاه، دانشگاهیان و جامعه را از زیبایی‌های ظاهری عبور می‌دهد و به زیبایی‌های حیات معقول رهنمون می‌گرداند و در سیر تکاملی تزیین جامعه به صفتهای زیبا نقش بسزایی دارد.

## ۲. موانع زیبایی

در خصوص موانع پیش روی زیبایی دانشگاه لازم به ذکر است که موانع تحقق این شاخص چشم‌انداز تاحدودی روشن است، چرا که برای فطرت زیادوست و زیباشناس، شناخت زشتی‌ها نیز بدیهی است و آن را نمی‌پسندد و از آن کراهت دارد. در مورد نکوهش زشتی در آموزه‌های دین اسلام نه تنها از ارتکاب زشتی، بلکه حتی از نزدیک شدن به آن به شدت نهی شده است؛ چه انجام افعال زشت و چه ظاهر زشت و ناآراسته. قرآن کریم در آیات: «وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ: و نزدیک کارهای زشت نروید، چه آشکار باشد چه پنهان» (الأنعام/۱۵۱)، «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ...: بگو: خداوند، تنها اعمال زشت را، چه آشکار باشد چه پنهان، حرام کرده است...» (الأعراف/۳۳) به این مهم اشاره می‌کند. در این آیات منظور از فواحش، اعمالی است که فوق‌العاده زشت و ناپسند است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق.، ج ۶: ۳۲۵) و لفظ «ما ظهّر» دلالت به افعال ظاهری زشت (طوسی، بی‌تا، ج ۴: ۳۱۵) و لفظ «ما بطن» اشاره دارد به زشتی نیت و باطن افعال زشت (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۵۹۱). در این آیات افعال و نیتات زشت به عنوان نموده‌های زشتی معرفی می‌شوند. چنانچه همین مضمون از آیه «وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ» (القصص/۴۲) قابل برداشت است، که در این آیه لفظ مقبوح، به سیما و صورت زشت، کراهت بار و منزجرآور اشاره دارد (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۰۲). با توجه به آیات مذکور، موانع زیبایی دانشگاه را می‌توان زشتی‌های باطنی در دانشگاه که همان افعال و نیتات نامناسب و ناخوشایند دانشگاهیان دانست که این اعمال هرگز در شأن و منزلت دانشگاه و زیبنده اهل علم و عالمان نمی‌باشد و همچنین محیط‌ها و صحنه‌های زنده و ناخوشایند که در شأن این مکان مقدّس نمی‌باشد از مصادیق زشتی‌های ظاهری در دانشگاه می‌باشد.

## نتیجه‌گیری

از آنچه که گزارش شد، چنین به دست می‌آید که دانشگاه اسلامی از پنج مشخصه ذاتی یا مؤلفه بنیادین هویت علمی، جهت‌گیری دینی، توانمندی پژوهشی، خدمتگزاری و کارآمدی و رضایت‌محوری

برخوردار است که ظهور و بروز کامل این مؤلفه‌ها موجب اطلاق صفت اسلامی به دانشگاه می‌شود، همچنان که عدم وجود آن دال بر اسلامی نبودن دانشگاه است. همچنین می‌توان به جز مؤلفه‌های مذکور از مؤلفه‌های دیگری چون استقلال، تهذیب، تعمق و ژرف‌نگری نام برد، لیکن این مؤلفه‌ها در پنج مؤلفه مذکور مستتر می‌باشد. اگر قرار باشد برای دانشگاه، شکوفایی علمی اندیشیده شود، مرزهای دانش توسعه یابد، باید دانشگاهی با این ویژگی‌ها پدید آید و گرنه تلاش برای رسیدن به دانشگاهی متعالی، ابتر و ناقص می‌ماند. کارکرد درونی دانشگاه نیز هرچه که باشد، باید محصول دانشگاه از این پنج مؤلفه، تأثیر درون، شخصیتی و محتوایی یافته باشد. به عبارت دیگر، محصول دانشگاه یا همان فارغ‌التحصیلان آن، باید افرادی دارای هویت علمی و هویت دینی حقیقی و واقعی، مفید و مهذب باشند، چرا که جریان تعلیم و تربیت در دانشگاه اسلامی به گونه‌ای است که هر فردی در مسیر آن قرار گیرد، متصف به این صفات و متلبس به این لباس می‌گردد.

همچنین شاخص‌های چشم‌انداز آرمانی و مطلوب دانشگاه اسلامی چهار ویژگی ارزشی دانایی، توانایی، نیکویی و زیبایی معرفی شده است. به این معنا که لازم است دانشگاه به عنوان نهادی که با نظام فکری خود در بطن جامعه قرار دارد، نقش آفرینش فرهنگ فرزاندگی و دانایی در جامعه را ایفا کند. شاخص توانایی، اقتدار و توانمندی دانشگاه را دستاورد مبنا قرار دادن خدامحوری در همه ابعاد و ارکان این نهاد معرفی می‌کند که با فراهم آمدن عوامل دستیابی به توانایی، دانشگاه به نهادی نافع، حافظ حقوق و مظهر توانمندی جامعه مبدل خواهد شد. شاخص نیکویی، دانشگاه را نهادی آراسته به تمام فضائل و خوبی‌ها می‌داند و بر مبنای شاخص زیبایی، دانشگاه مطلوب، آینه‌دار زیبایی در جامعه می‌باشد که در این راستا ضروری است برای دستیابی به این جایگاه، هم از لحاظ جنبه ظاهری و هم از لحاظ جنبه باطنی و افعال، دانشگاه متخلق به زیبایی باشد و آن را در جامعه به تصویر بکشاند.

## منابع و مأخذ

قرآن کریم. ترجمه محمد مهدی فولادوند.

ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله. (۱۴۰۴ق.). شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید. چاپ اول. قم: مکتبه آية الله المرعشي النجفی.

ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۴۰۳ق.). الخصال. چاپ دوم. قم: جامعه مدرسین.

ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق.). تحف العقول. تصحیح علی‌اکبر غفاری. چاپ دوم. قم: جامعه مدرسین.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق.). لسان العرب. تصحیح جمال‌الدین میردامادی. ج ۶. چاپ سوم. بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، دار صادر.



اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۸۲). «راهکارهایی برای اسلامی شدن دانشگاه‌ها». *فصلنامه دانشگاه اسلامی*. تابستان و پاییز. سال هشتم. شماره ۱۸ و ۱۹. صص ۴۴-۱۹.

حکیمی، محمدرضا، محمّد حکیمی و علی حکیمی. (۱۳۸۰). *الحیة*. ترجمه احمد آرام. چاپ اول. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

ذاکر صالحی، غلامرضا. (۱۳۸۴). *دانشگاه ایرانی؛ درآمدی بر جامعه‌شناسی آموزش عالی*. تهران: کویر.

راد، سامی. (۱۳۴۳). «سخنی چند درباره دانشگاهها». *مجله وحید*. بهمن. سال اول. شماره ۱۴. صص ۸-۱.

رضایی، محسن. (۱۳۸۴). *چشم‌انداز ایران فردا*. چاپ اول. تهران: انتشارات اندیکا.

زراعت، عباس. (۱۳۷۶). «راهکارهای اسلامی کردن دانشگاه». *فصلنامه دانشگاه اسلامی*. پاییز. سال اول. شماره ۱. صص ۷۶-۵۰.

شریف الرّضی، محمّد بن حسن. (۱۴۱۴ق.). *نهج البلاغه*. قم: هجرت.

صفایی فخری، لیلا و محمدرضا بهرنگی. (۱۳۸۸). «بهره‌گیری از الگوی مدیریت دانش در توسعه فرهنگ دانشگاه اسلامی». *فصلنامه دانشگاه اسلامی*. تابستان. سال دوازدهم. شماره ۴۲. صص ۱۶۲-۱۳۶.

طباطبائی، محمّدحسین. (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سید محمّدباقر موسوی همدانی. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. با مقدمه محمّدجواد بلاغی. چاپ سوم. تهران: انتشارات ناصر خسرو.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۶۵). *مکارم الأخلاق*. ترجمه ابراهیم میرباقری. چاپ دوم. تهران: فراهانی.

طریحی، فخرالدین بن محمّد. (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. به تصحیح احمد حسینی اشکوری. چاپ سوم. تهران: مرتضوی.

طوسی، محمّد بن حسن. (بی‌تا). *التّبیان فی تفسیر القرآن*. با مقدمه شیخ آغابزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیر عاملی. بیروت: دار احیاء التّراث العربی.

\_\_\_\_\_ . (۱۴۱۴ق.). *الأمالی*. چاپ اول. قم: دار الثقافة.

علی آبادی، نجمه. (۱۳۸۹). «تحلیل مفهوم اسلامی شدن دانش و دانشگاه». *مجموعه مقالات همایش تولید علم و جنبش نرم‌افزاری در حوزه معارف اسلامی*. بهار. سال ۱۳۸۹. شماره ۱. صص ۷۲-۵۵.

فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمّد بن عمر. (۱۴۲۰ق.). *مفاتیح الغیب*. چاپ سوم. بیروت: دار احیاء التّراث العربی. فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۹۱). *شاهنامه فردوسی*. چاپ سوم. تهران: پیام عدالت.

فضل الهی قمشی، سیف‌الله و سوده اسلامی‌فر. (۱۳۹۰). «معیارهای دانشگاه اسلامی از دیدگاه استادان دروس معارف اسلامی». *معرفت*. آبان. سال بیستم. شماره ۱۶۷. صص ۸۶-۷۳.

قبادیانی، ناصر خسرو. (۱۳۷۸). *دیوان اشعار*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی*. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. ج ۱ و ۲. چاپ دوم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مجیدی، محمدرضا. (۱۳۸۲). «بازخوانی راهبردهای دانشگاه اسلامی از منظر جنبش نرم‌افزاری». *مجله دانشگاه اسلامی*. تابستان و پاییز. سال هفتم. شماره ۱۸ و ۱۹. صص ۸۶-۷۳.
- مخبر، محمدرضا و همکاران. (۱۳۷۶). «تعریف دانشگاه اسلامی و اولویتهای کوتاه‌مدت و درازمدت». *مجله دانشگاه اسلامی*. پاییز. سال اول. شماره ۲. صص ۸۶-۷۰.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). *الأمالی*. چاپ اول. قم: کنگره شیخ مفید.
- مقیسه، حسین. (۱۳۸۴). «از موانع اسلامی شدن دانشگاه‌ها». *مجله دانشگاه اسلامی*. پاییز. سال نهم. شماره ۲۷. صص ۱۰۲-۸۹.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. ج ۳ و ۸. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- موسوی خمینی (ره)، امام روح‌الله. (۱۳۷۵). *صحیفه نور*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی مقدم، سید رحمت‌الله. (۱۳۸۴). «بررسی ضرورت، هویت، مؤلفه‌ها و استراتژی دانشگاه اسلامی در نگاه رهبران انقلاب اسلامی». *مجله دانشگاه اسلامی*. پاییز. سال هشتم. شماره ۲۷. صص ۵۸-۱۱.
- نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف. (۱۳۹۱). *مخزن الأسرار*. چاپ چهاردهم. تهران: قطره.
- نعمتی، بابک. (۱۳۹۰). «چشم‌انداز: تعریف، نمونه‌ها». [www.persianblog.ir](http://www.persianblog.ir).